

نقد و بررسی کتاب

«طراحی و ارتباطات بصری: رهیافتی بر روش‌شناسی بصری»

علیرضا طاهری*

سحر صادقی**

چکیده

داشتن تفکر خلاق اساسی‌ترین توانایی مغز بشر است. هنرمند طراح با ارتباطات بصری همواره می‌کوشد تا با ایجاد ایده‌های تازه از هیچ، بسیار بیافریند. برونو موناری از هنرمندان خلاق و نوآوری است که در سال ۱۹۶۷م. تجربیات و آموزش‌های نوآورانه‌ای را بر روی دانشجویان علاقه‌مند در دانشگاه هاروارد آغاز کرد؛ و تجربیات و موفقیت‌ها و ناکامی‌هایشان را در کتابی با عنوان «طراحی و ارتباطات بصری: رهیافتی بر روش‌شناسی بصری» با علاقه‌مندان دیگر به اشتراک گزارده است. این مقاله به معرفی و بررسی نقادانه کتاب برونو موناری، ترجمه پاینده شاهنده چاپ سال ۱۳۸۷ می‌پردازد. بیان نکات قابل تأمل در جهت سودمندتر کردن اثر و معرفی هرچه بهتر و بیشتر روش مؤلف در جهت برنامه‌ریزی برای یک دوره کامل تدریس ارتباطات بصری در دانشگاه‌ها و هنرستان‌های کشور، از اهداف این مقاله است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی با رویکرد انتقادی بوده و ابزار گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای، مقالات و منابع اینترنتی معتبر است. این کتاب می‌تواند با ارائه خلاقانه‌تر تصاویر و عکس‌ها، دادن نظم و انسجام منطقی به آن‌ها و

* استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، artaheri@arts.usb.ac.ir
** کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)،
art_modernss@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲

حذف و اضافه بخش‌هایی از مطالب بر ضریب سودمندی‌اش برای کلیه دروسی که با هنرهای تجسمی مرتبط می‌باشند، بیفزاید.

کلیدواژه‌ها: برونو موناری، روش شناسی بصری، ارتباطات بصری، تحلیل کیفی، محتوا.

۱. مقدمه

در روزگاری که امکان بررسی درستی یا نادرستی یک نظریه با تعصبات شخصی و غرض‌ورزیها و به دور از یک اصل سازنده مشترک همراه گشته و طراح هنر بصری محدود به استفاده از آموزش‌های متکی به گذشته شده بود، وجود خلاقیت ذهنی و نوآوری در زمینه ایجاد یک رابطه شکلی و یا اصل سازنده مشترک که جایگزین نظریه‌های مختلف درست و نادرست اشخاص به زیبایی یک اثر باشد و همچنین به نقد کشیدن مفاهیم و روش‌ها و آموزش‌های کهنه و سستی، احساس می‌گردید. برونو موناری از هنرمندان خلاق قرن بیستم در پاره‌ای از آثارش از خلاقیت و ابتکار و آموزش نوآوری‌هایی در آن دوران صحبت می‌کند. وی با روحیه‌ای نقادانه نسبت به روش‌های کهنه آموزشی و اوضاع و شرایط آموزش، سهمی بسزا در خلق فضاهاى نو بصری داشت. بی‌تردید کتاب طراحی و ارتباطات بصری او را می‌توان در زمره‌ی تلاش‌های این هنرمند در جهت یافتن معنا و مفهوم درست ارتباط بصری و بهبود اوضاع و احوال آموزش‌های هنری و مرزهای از قبل تعیین شده آن روزگار به‌شمار آورد. کتاب برونو موناری در چندین مورد، بررسی و معرفی شده است اما مروری انتقادی در جهت بیان نکات قابل تأمل که بر ضریب سودمندی این اثر بیفزاید انجام نگردیده است.

۲. طرح مسأله

در بررسی نقادانه کتاب «طراحی و ارتباطات بصری: رهیافتی بر روش شناسی بصری»، مسأله اصلی و مورد تأمل، بررسی ساختاربندی تدریس موناری در دانشگاه بر روی دانشجویان و نحوه علاقه‌مند کردن و برهم زدن ساختارهای غلط آموزشی در ارتباط با آموزش هنر می‌باشد. در این بین پس از بررسی، شناخت و معرفی تجربیات، موفقیت‌ها و ناکامی‌های ایشان در این کتاب نیاز بر ارائه نظرات و نکات قابل تأمل در جهت

سودمندتر کردن هر چه بهتر و بیشتر روش‌های مؤلف با توجه به نیاز دوره و سلیقه روز خود، ضروری به نظر می‌رسد.

۳. معرفی کلی کتاب

کتاب طراحی و ارتباطات بصری اثر برونو موناری ترجمه پاینده شاهنده در سال ۱۳۸۷، چاپ پنجم، در ۳۶۰ صفحه و در قطع رقعی از سوی انتشارات سروش، لیتوگرافی، چاپ، صحافی و منتشر شده است. در مورد نویسنده این اثر آمده است: موناری ایتالیایی‌الاصل است و در سال ۱۹۰۷ در میلان (ایتالیا) چشم به جهان گشود؛ او شخصیتی خلاق و سهمی بسزا در هنر نو دارد. سادگی در بیان، طرح مفاهیم، توصیف معانی و به‌ویژه خلق آثاری مفید از ابزارهای غیرقابل استفاده، ویژگی‌های کلیه آثار وی می‌باشند. کارهای وی تنها مخصوص گروه یا قشری معین، یا اندیشمندانی که تخصص آن‌ها سبب درک مفاهیم هنری می‌باشد، نیست؛ بلکه او با همه به سخن می‌نشیند و با زبانی ساده می‌آموزد که چگونه می‌توان در گستره خلاقیت ذهنی، خلق کرد و نوآوری داشت. تجزیه، تحلیل، موشکافی جزئیات، نگرش انتقادی و تحلیل گرایانه نسبت به کلیه مفاهیمی که تا امروز در زمینه هنر نو مطرح شده است را می‌داند. شیوه‌هایی در عین ظرافت، روان شناسانه و خلاقیت را در ذهن مخاطبش گسترش می‌دهد و گاه، با مخاطبش از صفر شروع می‌کند، از نظر خلق آثاری نو، او را به درجاتی بسیار بالا می‌رساند، او را تشویق می‌کند تا درباره هر آنچه در اطراف اوست تأمل کند (موناری، ۱۳۸۷: ۵۲۷/۸-۷).

طبق اظهارات مؤلف، کتاب «طراحی و ارتباطات بصری» حاصل تجربه پنجاه جلسه درس کارگاهی اعم از: «روش نقاشی چسباندنی آزاد با استفاده از عناصر تصویری اخذ شده از مجلات مختلف»، «مطالعه سطوح و حساسیت بخشیدن به آن‌ها»، «گسترش شناخت دانشجویان در مورد مسئله ارتباط تصویر زمینه (خطای باصره)»، «ایجاد ترکیبات جدید با اشکال ساده و واحدهای قابل تکرار» و ...، در رابطه با ارتباطات بصری در دانشگاه هاروارد در سال ۱۹۶۷ می‌باشد. نویسنده در این کتاب به‌طور عملی و تجربه کارگاهی با دانشجویان به دنبال الفبای هنر بصری، و همچنین استفاده از ابزارها و تکنولوژی به‌روز، از هیچ تجربه و کار عملی دریغ نمی‌کند. وی معتقد است: هر آن چیزی که در مقابل چشمان ما ظاهر می‌گردد، می‌تواند مفهوم ارتباط بصری داشته باشد، از ارزش‌های متفاوتی بر حسب موضوعی که در آن گنجانده شده است، برخوردار باشد و اطلاعات مختلفی را به ما

انتقال دهد. که در این رابطه معتقد به دو دسته ارتباط: اتفاقی و عمدی می‌باشد (همان: ۷۲). کتاب از پیشگفتار مترجم، پیشگفتار مؤلف و دو بخش تشکیل شده است. مؤلف در بخش اول اظهار به نوشتن مقالاتی در طول دوره آموزشی در دانشگاه هاروارد برای روزنامه‌ای در میلان (زادگاهش) را داشته است، که بیشتر داستان‌هایی با طول و تفسیر وضع موجود و نحوه آموزش وی به دانشجویان و نوع درس و تجربه آن‌ها می‌باشند. در بررسی این بخش باید بیشتر به تحلیل محتوا و کیفیت و اثربخشی آن توجه نمود.

تحلیل محتوا یکی از روش‌های تحقیقی است که از گذشته‌ای نسبتاً دور مورد استفاده قرار گرفته است. این روش در ساده‌ترین شکل، به بیرون کشیدن مفاهیم مورد نیاز پژوهش از متن مورد مطالعه می‌پردازد؛ مفاهیمی که در قالب مقولاتی منظم سامان می‌یابند (تبریزی، ۱۳۹۳: ۱۰۶/۶۴).

در تحلیل محتوایی برای بیرون کشیدن مفاهیمی مفید در قالبی سامان یافته برای کتاب مورد بحث را می‌توان مقالات نویسنده، بخش نخست کتاب (بدون در نظر گرفتن خاطرات نویسنده) در حقیقت درس گفتارهای مهم او در کلاس‌های درسی با اهدافی همچون: از بین بردن ترس و خجالت هنرجویان از انجام و نمایش کارهای خود به دیگران، آشنایی با روش‌های تقویت ضعف‌ها در هر مرحله از کارهای عملی، آشنایی با انواع سلیقه‌ها و نقد کارها، آشنایی با انواع روش‌های اجرای آثار به صورت دستی و کامپیوتری حتی با کمبود امکانات، منعطف کردن طرز فکر هنرجویان، آشنایی با انواع روش‌های بازاریابی، انتقال، سلیقه مخاطبین و ... (البته ما در بخش نکات قابل تأمل در این مقاله به‌طور مفصل‌تر به بررسی محتوایی و شکلی این موضوع پرداخته ایم). همچنین کارهای عملی که دانشجویان انجام داده‌اند در کنار تصاویر عملی از آن کارها دانست.

تجزیه و تحلیل محتوا در قالب فعلی در ابتدای قرن بیستم (به ویژه در دهه ۱۹۲۰) در ایالات متحده قسمت حوزه ارتباطات که رواج چشمگیری هم داشته، به کار رفته است (Mayring, 2003:266). می‌توان گفت: این توسعه تحلیل محتوا با گسترش چشمگیر ارتباطات جمعی همراه بوده است؛ اما رویکردهای متفاوتی نظیر تفسیرهای کتاب مقدس (انجیل)، تحلیل روزنامه‌ها، روش‌های مطالعه و بررسی شخصیت و خصوصیات فردی براساس نحوه نوشتن (گرافولوژی) و حتی تحلیل خواب فروید را نیز که به عنوان تحلیل و مقایسه متون به کار رفته‌اند، می‌توان به عنوان سابقه و یا پیشکسوت‌های اولیه تحلیل محتوا قبل از قرن بیستم محسوب نمود (Kohlbacher, 2006: 8/1).

لازم به ذکر است که تحلیل محتوا را می‌توان در دو روش یا رویکرد کمی و کیفی بررسی نمود. در توضیح مختصری از هر رویکرد آمده است که: رویکرد کمی به تولید داده‌های عددی و تحلیل آماری این داده‌ها منجر می‌شود و در مقابل رویکرد کیفی معمولاً توصیف و یا نوع‌شناسی را همراه با عباراتی از موضوعاتی که منعکس‌کننده دنیای اجتماعی آن‌ها است به همراه دارد. تجزیه و تحلیل محتوای کیفی بر یک دیدگاه یکپارچه از گفتار/متون و زمینه‌های خاص خود تأکید می‌کند. و علاوه بر کلمات و یا استخراج محتوای عینی از متون برای بررسی معانی، تم‌ها و الگوهایی است که ممکن است در یک متن خاص، آشکار یا پنهان شوند. در بسیاری از مطالعات کنونی، از تجزیه و تحلیل محتوای کیفی استفاده می‌شود که برخی از نقاط ضعف رویکرد کمی را مورد توجه قرار می‌دهد (Zhang & Wildemuth, 2009: 1-2)

در بخش نخست کتاب «طراحی و ارتباطات بصری: رهیافتی بر روش‌شناسی بصری» نیز با رویکرد کیفی و کمی محتوای اثر رو به رو هستیم، در رابطه با محتوای کمی اثر جای خالی بسیاری از تصاویر، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی درس‌ها و روش‌های اجرا شده و حتی نمونه کارهای اجرایی و اتمامی هنرجویان به عنوان نمایشگاه کاری در این کتاب احساس می‌گردد؛ همچنین در رویکرد کیفی نیز علاوه بر نکات مثبت و تأمل برانگیز هنرمند و نویسنده توانای این کتاب نکاتی سازنده‌تر و مؤثرتر از جمله: نکاتی درباره قابلیت خواندن کتاب، نکاتی در رعایت قواعد عمومی نگارش کتاب، رعایت ارجاعات درون متنی، بررسی جمع‌بندی (نتیجه‌گیری) کلی از تجربیات مؤلف، بررسی مطالب اضافه و غیر ضروری و عدم انطباق آن‌ها با تیترا در کتاب، میزان انسجام و نظم منطقی مطالب و تصاویر مربوطه، در بخش نکات قابل تأمل این مقاله به طور مفصل مورد بررسی و تحلیل محتوایی قرار گرفته‌اند.

در بخش دوم کتاب، تصاویر و تفسیرهای مربوط به آموزش‌های بخش اول، عناصر پایه، قواعد ارتباط‌های بصری و طراحی، مفصل‌تر و با جزئیات تمام به صورت تصویری ملموس گشته‌اند. این تصاویر و عکس‌ها به صورت‌های مختلفی از آثار، آزمایش‌ها، نقدها و پیشنهادهایی که گاه توسط مؤلف و گاه در مدارس مختلف طراحی که آموزش‌های موناری را بر روی دانش‌آموزان و دانشجویان، عملی می‌کردند؛ برای به‌روز رسانی و ملموس کردن هر چه بیشتر این آموزش‌ها قرار داده شده‌اند. مؤلف در انتها به تشکر و دعوت مجدد از کلیه همکاران برای غنا بخشیدن به کار و روند کاری به عنوان یک رشته جزوات درسی،

نمونه‌ها، مدل‌ها و روش‌های قابل ارائه و معاوضه در میان مدارس متفاوت پرداخته است. و با ارائه فهرست منابع مورد استفاده در اثر، کتاب را به پایان رسانده است.

دغدغه اصلی موناوی در این کتاب مربوط به دو موضوع، استفاده طراح بصری از جدیدترین ابزارها، تکنولوژی و ایجاد یک رابطه شکلی سازنده مشترک برای تمامی آثار قابل قبول می‌باشد. وی عقاید بعضی از استادان هنر هم‌عصر خود را چنین توصیف می‌نماید: «آن‌ها در جلسات درس به تدریس هنر مربوط به گذشته می‌پردازند، گذشته‌ای کم و بیش دور، و سعی می‌کنند به سنت راحت‌طلبی وابسته بمانند و کارشان را بدون مشکل و اتلاف وقت ادامه دهند و برای خود دردسر درست نکنند» (موناوی، ۱۳۸۷: ۱۲/۵۲۷). همچنین در جایی دیگر می‌گوید: دانشجویان از تمام نقاط عالم، دانشگاه‌ها راورد را به دلیل آزادی در انتخاب دروس مورد علاقه خود انتخاب کرده‌اند. زیرا تنها چیزی که می‌توان و باید در این دانشگاه فراگرفت فن است؛ فن جدیدتر، نه هنر، هنر یا هست یا نیست، مانند ارائه تعریفی از ذن و درک آن از جانب دیگران (همان: ۱۳).

این کتاب در رشته‌های مختلف هنری از جمله: «گرافیک»، «چاپ و تبلیغات»، «ارتباط بصری»، «هنرهای تجسمی» و غیره به کار می‌آید، از جمله برای تدریس کارگاهی، به ویژه برای کلیه دروسی که به شکلی خلاقیت تصویری و تجسمی را مد نظر دارند سودمند است. رویکرد حاکم بر این کتاب را در تفکر نویسندگان و هنرمندان جدیدتری همچون نیما ورامینی در کتاب مشهور و جذاب «تفکر خلاق در گرافیک» در سال ۱۳۸۷ که از سوی انتشارات فرهنگسرای میردشتی به چاپ رسیده است می‌توان مشاهده نمود. جالب آنکه در چند سال اخیر در نحوه‌ی تدریس موفق بسیاری از اساتید دانشگاه‌ها، همچنین هنرآموزان هنرستان‌ها در ایران در رشته‌های مختلف مرتبط با ارتباطات بصری مذکور نیز می‌توان دید. همچنین از موناوی کتاب‌های زیادی در جهت تلاش برای ارتقاء هنر و مفاهیم مورد استفاده هنرمند و کاربرد عناصر پایه، طراحی، الفبای هنر بصری همچون: «طراحی در معنای هنر» ترجمه آزاده بیات و شادی عظیمی و «ابتکار» ترجمه پاینده شاهنده و... به چاپ رسیده‌اند. نحوه‌ی آموزش و دید این هنرمند، آثارش را به نوشته‌هایی خلاق در زمینه‌ی هنرهای کاربردی و نوآور در طرح مفاهیم هنری با جنبه‌ای همگانی و ساده فهم تبدیل کرده است.

همان‌طور که پیش‌تر نیز بیان گردید تجربیات مונاری و روند آموزشی او، چندسالی است که در کشور ما نیز مورد استفاده و تجربه اساتید و هنرآموزان قرار گرفته‌است. اما، حتی مונاری هم در کتاب خود اظهار می‌دارد:

مدعی نیستم که یک تز کامل و قطعی در مورد طراحی بصری ارائه داده‌ام، بلکه هدف، ارائه پیشنهادهایی برای برنامه‌ریزی یک دوره کامل تدریس در این زمینه است و نیز پیشنهادهایی که در عمل تجربه شده‌اند و به نوبه خود می‌توانند با تجربیات بعدی تصحیح شوند (همان: ۱۰).

تازه‌ها و پیشنهادات عملی به‌روز و بسیار دیگر (البته تجربیات عملی اندکی در این رابطه صورت گرفته‌اند اما گستره‌ی جامع‌تر و تزی کامل‌تر را که قابل ارائه در جای جای کشورمان باشد، لازم است) نیز باید در عصر امروز مورد آزمایش و تجربه بسیاری از اساتید و هنرآموزان ما چه در دانشگاه و چه در هنرستان‌های این کشور عظیم و هنرپرور قرار گیرد. هدف از انتخاب این کتاب در وهله‌ی اول یادآوری نتایج مثبت و موفقیت تجربیات به‌روز و عملی استاد و هنرمندی بزرگ که مسیر هنر را به فراسوی مرزهای از قبل تعیین شده کشاند می‌باشد. و در وهله‌ی بعدی بیان نکات قابل تأملی در آن می‌باشد که شاید در کنار چنین اثر بزرگ و قابل تدریس و استنادی، خلاء آن‌ها احساس می‌گردد. چه‌بسا که نقدهای سازنده نویسندگان دیگر را نیز یاری می‌رساند تا آثار خود را با کمترین خطا و اشتباهی بیافرینند. و در قالب پیشنهادات و نکات قابل تأمل جمع‌آوری و ارائه شوند. سیدحسین حسینی در این‌باره می‌گوید:

نقد یک کتاب می‌تواند اهداف متعددی داشته باشد. نخست و مهمترین هدف نقد یک کتاب انتقال موضوع آن به خواننده است که کتاب در مورد چه موضوعی است و آیا این کتاب ارزش خواندن دارد یا خیر؟ دوم اینکه کتاب‌ها ابزاری برای برقراری رابطه بین دو ذهن هستند. نویسنده تلاش می‌کند از طریق عبارات یا تصاویر یک متن، برخی مفاهیم، ایده‌ها و نظریه‌ها را به خواننده منتقل کند و خواننده از طریق این متن یا تحت تاثیر قرار می‌گیرد و یا نمی‌گیرد (حسینی، ۱۳۹۶: ۴۱/۲).

در حقیقت

آنچه از نقد در نظر اول به ذهن متبادر می‌شود، ایراد و اشکال گرفتن از یک کار یا اثر علمی و هنری است، اما در واقع نقد نه ایراد و خرده‌گیری است نه اشکال تراشی،

بلکه علم ارزیابی و سنجش میزان اعتبار علمی یک اثر است که مانند سایر رشته‌های علمی، قواعد و اصول خاص خود را دارد که به آن «روش‌شناسی نقد» گفته می‌شود^۱ (old.ido.ir/a.aspx?a=1386050101).

۴. نکات مثبت شکلی و محتوایی اثر

۱.۴ ارتباط محتوایی متن با عنوان کتاب

عنوان کتاب باید معرف کلی و در حقیقت کلیدواژه‌ای از متن کتاب باشد تا مخاطبی را که در مورد متن آن کتاب اطلاعی ندارد را جذب کند و بتواند با یک عنوان از درون آن خبر دهد و در حقیقت خود را معرفی نماید در این صورت می‌توان گفت که این عنوان بسیار موفق و هوشمندانه برگزیده شده است. در کتاب مذکور نویسنده در بخش دوم عنوان (رهیافتی بر روش‌شناسی بصری) هدف از بخش اول آن (طراحی و ارتباطات بصری) را مشخص نموده است. وی با آوردن کلمه رهیافت (راه پرداختن به یک مسئله یا موقعیت یا شیوه تفکر درباره آن‌ها، رویکرد) از دغدغه خود در پیدا کردن راه‌هایی خلاقانه‌تر برای هرچه بهتر و مؤثرتر کردن شیوه‌های آموزشی ارتباط بصری خبر می‌دهد. این عنوان در وهله اول در مخاطب انتظار کسب کردن روش‌هایی نوین در زمینه تفکر خلاق، گسترش خلاقیت و دور انداختن روش‌های کلیشه‌ای و تکراری گذشته که دیگران بارها در کتاب‌های خود مطرح کرده‌اند را بالا می‌برد. به عنوان خواننده این کتاب باید بگوییم که نویسنده و هنرمند آزموده این اثر با زبردستی و هوشمندانه انتظار خواننده از عنوان این اثر برطرف نموده است و به نظر می‌رسد در آن سال‌ها روش‌های موناخی به عنوان روش‌های نو و خلاق در زمینه هنرهای کاربردی و خلاقیت در طرح مفاهیم هنری همان طور که خود در عنوان این کتاب مطرح می‌کند بر روش‌های نوین بصری و اجرایی رهیافتی بوده و شاید بتوان گفت در بعضی کشورها همچنان می‌باشند.

۲.۴ کیفیت چاپی و فنی اثر

افزون بر مناسب بودن حروف‌نگاری، کیفیت چاپ، صحافی و قطع کتاب، جلد آن نیز از ضخامتی مناسب نسبت به گرم کاغذ متن آن تهیه شده است و طرح جلد کتاب نیز در نگاه کلی از محتوای کتاب خبر می‌دهد و با اینکه طرح خلاقانه و شاید بتوان گفت جذابی ندارد

اما ایرادی هم نمی‌توان به آن از نظر مرتبط نبودن با محتوای اثر گرفت؛ و شمارگان کتاب انبوه است (بیش از ۱۰۰۰ نسخه).

عوامل مؤثری در خوانایی و قابلیت خواندن حروف یک متن وجود دارد که در هنگام حروف‌چینی و انتخاب حروف باید به آنها توجه شود؛ از جمله آنها می‌توان به فاصله بین حروف، فاصله بین کلمات و فاصله بین سطور و اندازه حروف اشاره کرد. بسیاری از افراد ممکن است این دو واژه را هم‌معنا بیندارند، درحالی‌که تمایزی آشکار در آنها وجود دارد. قابلیت خواندن، خوانش آسان یک صفحه چاپ شده و ایجاد جذب خواننده است. درحالی‌که خوانا بودن رابطه مستقیمی با طراحی، نوع خط، شکل حروف چاپی و طریقه استفاده از آنها در متن دارد (احمدی‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۳۷/۳).

کتاب مورد بحث از خوانایی و خوانش آسان صفحات چاپ شده برخوردار می‌باشد.

۳.۴ روان و رساپودن زبان متن و ترجمه برای مخاطبان دانشگاهی و تحصیل کرده

مترجم با قلمی روان و رسا و ضمن رعایت امانتداری متن اصلی به ترجمه کتاب پرداخته‌است؛ گرچه برای نوشتن این مختصر، متن فارسی با متن اصلی کتاب مقایسه نشده‌است؛ اما می‌توان حدس زد که نحوه نگارش مؤلف نیز با توجه به موقعیت، مخاطبان و بستر اجتماعی، دارای نثری ساده و روان است. و شاید بتوان سبکی را برای آن منظور کرد

سبک در اصطلاح ادبیات عبارت است از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. سبک به یک اثر ادبی وجهه خاص خود را از لحاظ صورت و معنی القا می‌کند و آن نیز به نوبه خویش وابسته به طرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره «حقیقت» می‌باشد. بنابراین سبک به معنی عام خود عبارت است از تحقق ادبی یک نوع ادراک در جهان (Conception) که خصایص اصلی محصول خویش (اثر منظوم یا مثنوی) را مشخص می‌سازد (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۰۷/۲۶۲).

معمولاً از سبک به دو گونه سخن می‌گویند: الف: سبک بارز یک دوره؛ ب: سبک یک هنرمند یا نویسنده خاص... در قرن‌های معاصر خاصه از قرن نوزدهم میلادی بدین سو، ما شاهد به فراموشی رفتن سبک‌های کلی با عظمت و فاخر هستیم یا دست‌کم می‌بینیم

که اهمیت پیشین خود را از دست داده و جای به سبک‌های فردی داده‌اند؛ و پیشرفت سبک فردی چنان شده است که امکان می‌دهد در مقوله سبک فردی جویای وحدت معنی اثر ادبی شویم (عبادیان، ۱۳۷۲: ۲۷).

به‌طور سنتی به سه سبک خطابی (کاربرد نقش انگیزشی برای اقناع و انگیزختن مخاطب به انجام کاری)، سبک تبلیغی، اعلانی، اجتماعی (کاربرد نقش اطلاع رسانی برای اعلان چیزها) و سبک علمی (کاربرد نقش انتقال اطلاعات علمی و برای مقاصد آموزشی) می‌توان اشاره نمود (فتوحی، ۱۳۹۲: ۷۸). بنابراین سبک سخن برونو موناری در کتاب طراحی و ارتباطات بصری را نیز با توجه به توضیحات مفصل بیان گردیده و محتوای آموزشی آن می‌توان به سبکی مختلط از سبک علمی و خطابی گونه‌های کاربردی زبانی نزدیک دانست.

۴.۴ رعایت قواعد عمومی نگارش و ویرایش کتاب

مهم‌ترین اصل در نگارش متن، یکنواختی (uniformity/consistency) موارد مشابه در سرتاسر نوشته می‌باشد که نظم و زیبایی خاصی را به نوشته و کل اثر می‌بخشد برای مثال: این یکنواختی‌ها باید در جای جای متن اصلی، عنوان فصل‌ها و زیر فصل‌ها، پاورقی‌ها، نگارش کلمات انگلیسی و ترجمه کتاب دیده شود. همچنین نداشتن غلط املایی و نگارشی، شماره‌گذاری صفحات، رعایت مؤلفه‌های جامعیت صوری اثر، معادل انگلیسی کلمات تخصصی یا اسامی افراد در ترجمه متن، رعایت فاصله و نیم‌فاصله‌ها و نشانه‌گذاری از قواعد عمومی نگارش و ویرایش متن محسوب می‌گردند.

نشانه‌گذاری در جمله‌ها موجب روان‌خوانی متن شده و چه بسا استفاده نکردن از آن‌ها کل مفهوم یک جمله را تغییر دهد. به همین منظور، برای بهتر و صحیح‌تر خواندن متن و نشان دادن روابط صحیح اجزای مختلف جمله و فهم مقصود نویسنده یا تغییر لحن‌های او علائمی وضع کرده‌اند که به آن‌ها نشانه‌های سجاوندی می‌گویند (احمدی‌نیا، ۱۳۹۳: ۱۴۷/۳).

در این کتاب هم مؤلف و هم مترجم به خوبی و در بسیاری از موارد قواعد عمومی نگارش و ویرایش کتاب را رعایت کرده‌اند و به بسیاری از ابهامات و انتظارات خواننده پاسخ داده‌اند اما در مواردی هم که بررسی خواهند شد کاستی‌هایی به چشم می‌آید.

مترجم، کتاب را با مقدمه‌ای از خود و مؤلف اثر آغاز کرده است. مؤلف در مقدمه خود از اهداف نگارش اثر و توضیحاتی به اختصار در ضمن آن‌ها سخن گفته است. باید توجه داشت که

پیشگفتار [= foreword / preface] با مقدمه [= introduction] فرق فنی دارد. پیشگفتار ربط ماهوی و مستقیم با محتویات کتاب ندارد، ولی مقدمه ارتباط ماهوی و محتوایی دارد و گاه بدون خواندن آن نمی‌توان به خوبی از یک اثر سر در آورد. پیشگفتار بر محور مسائل جنبی نظیر نحوه و شرایط تهیه یک اثر یا تجدید چاپ آن یا سپاس از دست‌اندرکاران ویرایش و نشر و حکایت تجدید نظر مؤلف در طبع چندم یک اثر و نظایر آن دور می‌زند. در مقدمه غالباً تز یا طرح اولیه یک اثر به اختصار مطرح می‌گردد و مؤلف هدف خود را از نگارش آن اثر و مباحث اساسی آن را با خواننده در میان می‌گذارد. و گاه تفصیل یا اثبات یک امر یا مسأله مجمل را که در مقدمه آمده به عهده متن می‌گذارد (مؤسسه خانه کتاب، ۱۳۸۶: ۲۶).

در این کتاب هم مؤلف و هم مترجم با رعایت ویژگی‌های درونی مقدمه، خواننده را طوری به دام می‌اندازند که به جلو حرکت کند و تا پایان کتاب مشتاق خواندن و به نتیجه رسیدن آن شود. این استراتژی که به نوعی عامل کنجکاوی است؛ مخاطب را تشویق به خواندن، ادامه دادن و تمرین کردن نموده، و یکی از سلاح‌های قدرتمند مؤلف و مترجم این اثر محسوب می‌گردد.

۵.۴ نوآورانه و روزآمدی اثر

موضوع کتاب و روش بیان و آموزش به کار رفته برای تدوین آن در زمان خود را می‌توان نوآورانه محسوب کرد. همچنین یافته‌های کتاب و تجربیات حاصل شده در نوع خود بدیع و نوآورانه است. موناری با آموزش‌هایی هم‌چون: «تلفیق چند تصویر در یک تصویر واحد»، «ایجاد رمزهای بصری و اطلاع از نوع انتقال و مخاطب آن»، «شناخت واحدهای قابل تکرار و کار بر روی آن‌ها» «تناوب‌های برنامه‌ریزی شده تصاویر»، «نمایش‌های همزمان»، «بررسی ساخت‌ها و کاربرد آن‌ها و نمونه‌های قابل تکرار و ترکیبات آن‌ها»، «پخش اسلایدهای دانشجویان بر روی دیوار» و... به روزترین مطالب آموزشی الفبای هنر بصری در دوران خود را به کار برده است. چنان که مواردی از آن‌ها هنوز هم در آموزش‌های اساتید طراح هنر بصری و هنرمندان مختلف مورد استفاده دارند.

۶.۴ جامعیت نسبی کتاب

با تأکید بر این نکته که این کتاب به هدف یک متن کتاب درسی تألیف نشده است و صرفاً تجربیات استاد هنر در زمینه پژوهش‌های خود در کارگاه‌های عملی با دانشجویان و مرور خاطرات و بیان تجربیات موفق آن‌ها می‌باشد؛ با این حال باید گفت که در محدوده اصلی مورد نظر خود یعنی روشی برای طراحی بصری و یا اصل سازنده مشترک برای همه، کوشیده است نگاهی جامع داشته باشد. در بخش اول با اینکه قسمت‌های داستان‌وار نیز مشاهده می‌شود اما نویسنده سعی کرده است هر درس را به طور کامل و بازخورد آن را نیز شرح دهد و از هیچ کار عملی ضروری با توجه به موقعیت و زمان، دریغ نکرده است. و در بخش دوم نیز با ارائه تصاویر و عکس‌ها و تفاسیر مرتبط با بخش اول بر جامعیت آن صحنه گزارده است.

۷.۴ به‌روز بودن منابع کتاب

منابع استفاده شده در این کتاب را با توجه به سال تألیف آن توسط نویسنده که در کتابنامه‌ی انتهایی کتاب آورده شده‌اند، می‌توان کاملاً به‌روز و متناسب با آن دوران وصف کرد. همچنین نویسنده با بصیرت فراوان و واکاوی انبوهی از همکاری و اطلاعات بسیاری از فرهیختگان و افراد برجسته و سرشناسی همچون: هنرمندان، روانشناسان، دانشمندان، معلمان و... در آزمایشات و نقدها و پیشنهادات و آثار و عکس‌های کتابش استفاده نموده است. و در زیر هر عکس یا اثر توضیحات و تفسیر آنها را به‌طور کامل همراه با نام و سال صاحب عکس یا اثر آورده است.

۸.۴ نحوه کاربرد اثر در برنامه‌های آموزشی

یکی از پررنگ‌ترین نقاط قوت این اثر کاربردی بودن برنامه‌های آموزش آن در بسیاری از کلاس‌های آموزشی، ایده‌یابی، خلاقیت و تفکر دوران هنرستان و دانشگاه می‌باشد. به‌طور مثال: یکی از درس‌های کارگاه عملی موناری برای دانشجویان «ایجاد ترکیبات جدید با اشکال ساده و واحدهای قابل تکرار» بوده است. امروزه در دانشگاه‌ها و هنرستان‌های ما نیز از این شیوه به‌صورت ترکیباتی جدید از قسمت‌های مختلف یک مربع، مثلث و دایره‌ای که تکرار شده‌اند و یا قسمتی از آن‌ها کاهش و یا افزایش می‌یابد، و یا ترکیب با یکدیگر به

یک فرم جدید حتی بدون شباهت به فرم اولیه و غیرقابل شناسایی عنصر پایه‌ی آن تبدیل می‌شوند. و ساخت‌های زیبایی برای تشکیل انواع آرم‌ها را به‌دست می‌دهند و بسیاری دیگر از آموزش‌های این استاد بزرگوار هنر که وقت این مقاله اجازه توضیح تک‌تک آن‌ها را به ما نمی‌دهد. همچنین این اثر یکی از منابع پرارجاع در میان کتاب‌های خلاقیت و نوآوری در سال‌های بعدی بوده است. برای مثال در کتابی این چنین آمده است:

با افزایش شناخت نسبت به فنون و عناصر بصری، خود را برای خلق یک اثر گرافیکی آماده کنید [...] هنرمند طراح باید افکار خلاقانه و ذهنی خود را به نحوی که دیگران نیز بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند به تصویر کشیده و در معرض دید مخاطبان قرار دهد. در این مرحله است که خلاقیت طراح بروز می‌کند (ورامینی، ۱۳۸۸: ۱۲).

این اصل یکی از اصول مهم و اساسی درس‌های برونو موناری در دانشگاه هاروارد می‌باشد.

۵. نکات قابل تأمل شکلی و محتوایی اثر

۱.۵ نکاتی درباره قابلیت خواندن کتاب

در جذب خواننده اثر، یک قسمت مربوط به هنر نویسندگی مؤلف می‌باشد که چگونه بدان کار بپردازد.

نویسنده برخلاف مصدر خود، یعنی «نوشتن»، در فارسی امروز معمولاً به دو معنی به‌کار می‌رود: معنی عام: یعنی هر آن که چیزی می‌نویسد؛ مانند نامه دوستانه یا یک گزارش ساده. معنی خاص: یعنی کسی که به هنر «نوشتن» آراسته است و قدرت پروردن مطالب گوناگون و معانی باریک و دقیق را با بیان زیبا و شیوا و رسا دارد؛ نویسنده، در این معنی در ردیف دیگر هنرمندان است؛ و چون نقاش، شاعر، پیکرتراش، نوازنده و آهنگ‌ساز و غیره است (احمدی گیوی، ۱۳۷۴: ۱۱).

همان‌طور که پیش‌تر هم بیان گردید، نویسنده کتاب مورد بحث با توجه به مطالب نو و روش آموزشی خلاق که با تبحر فراوان به توضیح آن پرداخته است برای جذب خواننده خود از این لحاظ کاملاً غنی است و هیچ کمبودی احساس نمی‌گردد. و اما قسمت دیگر جذب خواننده مربوط به جنبه شکلی کتاب می‌باشد که باعث لذت نیز می‌شود «یکی از دلایل گرایش و علاقه‌مندی انسان به موضوعات و کارهای گوناگون، لذت بردن از

آن‌هاست. چه این بدیهی است که انسان با دیدن، شنیدن و دیگر حواس خود احساس لذت می‌کند» (دادور، ۱۳۸۸: ۵۵). در کتابی که مؤلف آن در تلاش برای ارائه راهکارهای عملی و علاقه‌مند و قاعده‌مند کردن دانشجویان و علاقه‌مندان هنرهای تجسمی می‌باشد؛ و از هیچ تلاشی برای ارائه نگرش‌ها و کارکردهای خلاقانه دریغ نمی‌کند. انتظار آن می‌رود که از لحاظ بصری نیز در وهله اول خواننده را جذب خود نماید و برای ارائه تصاویر و هر چه جذاب‌تر شدن کتابش بیشترین تلاش را نماید. اما در کتاب طراحی و ارتباطات بصری موناوی با وجود مناسب بودن حروف نگاری، صفحه آرایی، صحافی و طرح جلد کتاب، به نظر می‌رسد که نبود تصاویر خلاقانه‌تر و شاید ارائه خلاقانه‌تر تصاویر حاضر در جای جای بخش‌های این کتاب احساس می‌گردند و این موضوع در بی‌انگیزگی و خسته شدن و دنبال نکردن مطالب آن توسط خواننده تأثیر بسزایی را دارد.

۲.۵ نکاتی در رعایت قواعد عمومی نگارش کتاب

در رعایت و کاربرد قواعد و عناصر نگارش کتاب با وجود اینکه مؤلف و مترجم بسیاری از موارد را رعایت نموده‌اند اما به نظر می‌رسد این دو نکته را بتوان به عنوان تقیصه متذکر شد.

۳.۵ به کار نبردن ارجاعات درون متنی

هرچند کتاب دارای فهرست منابع می‌باشد اما مؤلف از ارجاعات درون متنی استفاده نکرده است. البته باید این را هم در نظر گرفت که «تا چند دهه پیش ارجاع دادن و استناد کردن رواج چندانی نداشت و گاه کتاب‌هایی منتشر می‌شد که در سراسر آن هیچ ارجاعی به چشم نمی‌خورد» (اسلامی، ۱۳۹۲: ۷/۱). و گاه نیز کتاب‌هایی را مشاهده می‌کنیم که مؤلف این عناصر نگارشی را رعایت نموده و در نوشته‌های خود چه علمی، اصیل و حتی خلاقانه از این شاخصه‌های مهم نوشتاری بهره گرفته و کتباً اعلام و مشخص نموده است^۱. در حقیقت «ارجاع در متن به دلیل افزایش تمرکز و کاهش در زمان، حقوق خواننده را بیشتر از سایر روش‌های ارجاع رعایت می‌کند و لذا اخلاقی‌تر است» (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۵: ۱۹۹). در کتاب مورد نظر همچنین اگر کسی بخواهد بداند که کدام قسمت‌های متن عقاید و گفته‌های خود مؤلف می‌باشد و کدام قسمت‌ها نظر دیگران، و یا حتی مؤلف از کدام صفحات منبع اعلام شده چنین مطلبی

را اظهار کرده است و اینکه آیا نقل قول مستقیم کرده و یا خیر. همه این‌ها خواننده کنجکاو و دقیق را سردرگم می‌کند و برای یافتن اصل و حقیقت باید به بررسی منابع مختلف و صرف زمان زیادی پردازد و کار دشوار می‌گردد و حقوق و حق تقدم آن نویسندگان رعایت نشده است.

۴.۵ مطالب اضافه و غیرضروری و عدم انطباق آن‌ها با تیتراها در قسمت‌هایی از بخش اول کتاب

موناری در بخش اول کتاب با زبانی خودمانی و رسا در جای جای آموزش‌های خود گاه به توضیحاتی از زندگی شخصی و شرایط ویژه آن دوران بنا بر نیاز و لازمی بحث مورد نظر و رسیدن و نزدیک شدن به منظور و ذهن مؤلف پرداخته است. اما درباره سازش محتوای اثر، با تیترا عنوان گشته آن در قسمت‌هایی از این بخش به نظر می‌رسد که مطالب اضافه نه تنها کمکی به درک هر چه بهتر و بیشتر مبحث آموزشی نکرده است بلکه خواننده را تا حدودی از موضوع آموزش مورد نظر دور و خسته می‌کند. و کیفیت محتوای آموزشی این بخش را زیر سؤال می‌برد. شاید بتوان موارد زیر را به عنوان تمامی نکات قابل تأمل در بخش اول ذکر نمود:

- صفحات ۱۹ و ۲۰ برای عنوان «هرکس آن چیزی را می‌بیند که درباره‌اش اطلاعاتی دارد» توضیحاتی درباره «سنجاب» در شبی که موناری از آن در این قسمت صحبت کرده است، به نظر می‌رسد توضیحی کاملاً بی‌ربط به مطلب و تیترا آموزش آن است و نه تنها ضرورتی بر جود آن نمی‌باشد بلکه تأکید بر نبود آن بیشتر احساس می‌گردد.

- صفحات ۲۴ و ۲۵ برای عنوان «خطای باصره» توضیحات مؤلف درباره امکانات موجود در ساختمان‌ها و شهرهای کشور آمریکا و مقایسه آن با کشور مؤلف (ایتالیا) از توضیحات اضافه‌ای است که در این قسمت با آن روبه‌رو می‌گردیم.

۵.۵ میزان انسجام و نظم منطقی مطالب و تصاویر مربوطه

مؤلف با اینکه در مقدمه کتاب اظهار نموده است که بخش اول را با مقاله‌هایی برای آشنایی بیشتر خواننده با محیط و شرایط موجود در محیط آموزشی آغاز نموده است با این حال از

درس‌های خود در این دوران و تجربیات و موفقیت‌ها و ناامیدی‌های دانشجویان در هر مبحث نیز صحبت می‌کند. و در بخش دوم مجموعه‌ای از تصاویر و تفسیرهای مربوط به بخش اول نیز آورده شده است. تصاویر و تفسیرهایی که کاملاً احساس می‌گردد بعد از هر مبحث توضیحی در بخش اول جایگاهشان باشد تا خواننده با دیدن تصاویر و تفسیرهای زیرنویس آن‌ها بهتر و بیشتر متوجه مطالب و آموزش‌ها گردد؛ و در بعضی از دروس شاید می‌توانست خواننده را از گیجی و ابهام موجود در مطالب خارج سازد. از طرف دیگر اگر تصاویر شماره‌گذاری شده بودند؛ در هر مبحث می‌شد به شماره تصاویر مربوطه نیز ارجاع داد.

۶.۵ عدم وجود جمع‌بندی (نتیجه‌گیری) کلی از تجربیات و ارائه پیشنهادات ضروری

مؤلف تنها با ارائه روشی برای طراحی و تولید خلاقانه که بخشی از موضوع اصلی کتاب را در بر می‌گیرد و تشکر و دعوت مجدد از کلیه همکارانی که او را در محقق نمودن اهدافش همراهی نموده‌اند کتاب را به پایان رسانده است. در حالی که در هر بحث و پژوهشی، خواننده انتظار دست یافتن به یک نتیجه‌گیری کلی و جمع‌بندی نهایی از کل مباحث و یافته‌ها و تجربیات مؤلف دارد. استنتاج کلی پژوهشگر از مطالعات خود و نوشتن آن‌ها در واقع محقق نمودن فرضیه‌ها و بدست آوردن اهداف تحقیق می‌باشد. مؤلف در مقدمه ابتدای کتاب از اهداف (نوآوری) کلی برای انجام آموزش‌های عملی و تجربیات خود در دانشگاه هاروارد صحبت می‌کند.

دانشجویان این دوره، از کشورهای متفاوت آمده بودند و احتمالاً آنچه برای دانشجوی برزیلی زیبا بود، شاید برای دانشجوی چینی زیبا نبود، در صورتی که اگر یک اصل سازنده مشترک برای همه مطرح می‌شد، امکان بررسی درستی و نادرستی مسئله موردنظر به وجود می‌آمد. بدین ترتیب رابطه شکلی، جایگزین زیبایی شد. نوآوری دیگر، استفاده از جدیدترین ابزارهایی بود که تکنولوژی جدید در اختیار طراح هنر بصری می‌گذاشت... (موناری، ۱۳۸۷: ۵۲۷).

انتظار آن می‌رود که در انتهای این کتاب در ضمن ارائه روشی برای طراحی که آورده شده است، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری کلی از آموزش‌های مفصل تئوری در

بخش اول و تصویری و عملی در بخش دوم، همچنین محدودیت‌های پژوهش و تجربیات در جهت رسیدن به آن اهداف و پیشنهادات آن‌ها پرداخته شود.

۶. نتیجه‌گیری

محتوای این کتاب به دلیل اهمیت آن شایسته است که به عنوان یک متن کمک درسی به دانشجویان توصیه گردد، همچنین روش آموزشی و تجربیات مؤلف در موضوعاتی از این دست توانسته آن را به کتابی سازنده بدل نماید. با توجه به اینکه این کتاب به عنوان یک متن کمک درسی نوشته نشده است؛ نمی‌توان و نباید انتظار داشت که مطابق استانداردها و معیارهای متون درسی به چاپ رسیده باشد ولی به نظر می‌رسد اگر اصلاحات جزئی و پیشنهادی زیر از سوی مترجم و یا ناشر در چاپ‌های بعد در نظر گرفته شود، برضرب سودمندی این کتاب برای کلیه دروسی که به شکلی مرتبط با هنرهای تجسمی می‌باشند افزوده خواهد شد. هر چند به همین منوال نیز تأثیرات مثبت و سودمندی را برای هنرمندان، استادان و بسیاری دانشجویان هنر تا به امروز برجای گذاشته است.

- افزودن تصاویر و عکس‌هایی به‌روز، خلاق و رنگی از تجربیات دانشجویان و مرتبط با آموزش‌های موناری
- افزودن جمع‌بندی (نتیجه‌گیری) کلی از دو بخش ارائه شده در انتهای کتاب
- حذف بخش‌هایی از مطالب اضافی و غیر ضروری ذکر شده در جای جای کتاب
- دادن نظم و انسجامی منطقی به مطالب و تصاویر مربوطه برای درک بهتر و جذاب‌تر شدن هر چه بیشتر کتاب
- طراحی جلدی جذاب و خلاقانه‌تر با توجه به عنوان کتاب

پی‌نوشت‌ها

۱. مقصود از روش‌شناسی نقد، مجموعه فنون و روش‌هایی است که به وسیله آن می‌توان یک اثر را منتقدانه ارزشیابی کرد و به نتیجه‌ای درست یا نزدیک به واقعیت دست یافت. روش‌شناسی یا methodology شاخه‌ای از منطق است به نام منطق عملی که به اصول عمومی شکل‌گیری دانش و نظام اصول و نحوه انجام تجربیات و بررسی‌ها در هر یک از شاخه‌های دانش می‌پردازد.

۲. برای مثال، کتاب «نخستین مسلمانان در اروپا»، نوشته برنارد لويس، ترجمه دکتر محمد فائد، تهران: نشر مرکز، (۱۳۷۴). کتابی است دارای ۴۷۴ صفحه و فاقد فهرست منابع در انتها، اما ارجاعات کتاب را رعایت کرده است.

کتاب‌نامه

- احمدی گیوی، حسن (۱۳۷۴). *از فن نگارش تا هنر نویسندگی*، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- احمدی‌نیا، محمدجواد (۱۳۹۳). «طراحی حروف در رساله جهادیه، نخستین کتاب فارسی چاپ شده در ایران»، *فصلنامه مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات*، شماره سوم، اسلامی، سید حسن (۱۳۹۲). «چرا و چگونه ارجاع دهیم»، *مجله آینه پژوهش* ۱۳۹، سال بیست و چهارم، شماره ۱.
- تبریزی، منصوره (بهار/۱۳۹۳). «تحلیل محتوای کیفی از منظر رویکردهای قیاسی و استقرایی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۶۴.
- حسینی، سید حسین (۱۳۹۶/۳و۴). «آسیب شناسی نقد علوم انسانی (نمونه مورد مطالعه: داوران شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی)» *پژوهش‌نامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، شماره دوم، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- دادور، علیرضا (۱۳۸۸). «چند پیشنهاد برای جذاب شدن کتاب‌های درسی تاریخ»، *مجله رشد آموزش تاریخ*، دوره‌ی یازدهم، شماره ۳.
- دهقانی، رضا (۱۳۹۶/۱۲/۲۰). «اصول نقد اثر و تحلیل محتوا»، *سازمان تبلیغات اسلامی* (۱۳۸۶/۵/۱)، (<http://old.ido.ir/myhtml/rl.aspx>)
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶). *کلیات سبک شناسی*، چاپ دوم، تهران: انتشارات میترا.
- عبادیان، محمود (۱۳۷۲). *درآمدی بر سبک‌شناسی در ادبیات*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات آوای نور.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۲). *سبک شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن.
- فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۸۵). *اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی*، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- کتاب نقد و نقد کتاب (۱۳۸۶). به اهتمام مؤسسه خانه کتاب، چاپ اول، تهران: خانه کتاب.
- موناری، برونو (۱۳۸۷). *طراحی و ارتباطات بصری*، ترجمه پابنده شاهنده، جلد ۵۲۷، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سروش.
- ورامینی، رامین (۱۳۸۸). *تفکر خلاق در گرافیک*، چاپ دوم، تهران: انتشارات فرهنگسرای میردشتی.

نقد و بررسی کتاب «طراحی و ارتباطات بصری: رهیافتی بر ...» ۲۲۳

Kohlbacher, Florian (2006). "The use of qualitative content analysis in case study research". In *Qualitative Social Research*. Volume 7. No 1. Available at: <http://www.qualitative-research.net/fqs/>

Mayring, Philip (2003). "Qualitative Content Analysis" In: *A Companion To Qualitative Research*. Edited by Uwe Flick, Ernest Von Kardorff and Ines Steinke. London: Sage

Zhang, Yan & Wildemuth, Barbara M. (2009). "Qualitative Analysis of Content". In *ils. Unc. Edu*

